

# عناوین

Page | ۱

معرفی نمایندگی آموزش و پژوهش:

معرفی فعالیت های پژوهشی اداره کل ثبت احوال استان خوزستان

مقالات پژوهش پایه:

- حقوق ثبت احوال از منظر اظهار قانونی رویداد های ولادت و فوت و اثر آن بر ثبت به هنگام

معرفی طرح پژوهشی:

- بررسی عوامل فرهنگی - هویتی در گرایش به تغییر نام افراد در استان خوزستان

(سید مجید نبوی)

(جاسم سواعد - دکتر کرم اله جوانمرد)

معرفی پایان نامه:

- احکام و آثار شناسنامه در حقوق موضوعه ایران

- هویت مضاعف در قرن بیست و یکم

(مهدی بصیری ملکی)

(محمد باقریان)

## شناسنامه نشریه:

نام: فصلنامه علمی - تخصصی "پژوهش نامه ثبت"

گاه انتشار: سال ششم / شهریور ۱۳۹۶ / شماره ۲۲

صاحب امتیاز: مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور

مدیر مسئول: عبدالرسول غزالی

سر دبیر: سید محمد عاملی

مدیر اجرایی: زینب اصغری

ویراستار: احمد تکین

نشانی پستی: خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه شهید چمران، نبش خیابان پسیان، مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور

پست الکترونیک نشریه: [Markazpazhuhesh@yahoo.com](mailto:Markazpazhuhesh@yahoo.com)

تهیه شده در: معاونت پژوهشی مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور

همکاران این شماره: سید نادر حسن پور - علی رستم خانی - فاطمه فیاض بخش

معرفی نمایندگی آموزش و پژوهش

معرفی فعالیت های پژوهشی اداره کل ثبت احوال استان خوزستان



نماینده آموزش و پژوهش استان خوزستان:

- عضو مشاوران جوان استانداری خوزستان

- مدیرمسئول و سردبیر سایت خبری محک نیوز

- کارمند نمونه در سال ۱۳۹۵

- رییس اداره منابع انسانی و پشتیبانی (به مدت ۱۸ ماه)

- مسوول روابط عمومی (چهار سال)

- فعالیت در سازمان صدا و سیما مرکز خوزستان به مدت ۶

سال بعنوان خبرنگار

- کسب دیپلم افتخار بهترین سردبیر خبر در بین استان

های کشور در سال ۱۳۸۵

- خبرنگار نمونه استانی در سال ۱۳۸۶

- گزارشگر، دبیر و سردبیر بخش های خبری رادیو تلویزیون



نام و نام خانوادگی: علی احمدی

مدرک تحصیلی: کارشناسی

رشته تحصیلی: حقوق جزا و جرم شناسی

پست سازمانی: کارشناس کارشناس مسئول امور حقوقی

سابقه خدمتی: ۸ سال

متولد: ۱۳۵۶

محل خدمت: اداره کل ثبت احوال استان خوزستان

کمیته تخصصی آموزش و پژوهش در استان:

برابر بند ۲/ج بخشنامه شماره ۱۸۰۳/۶۳۲۶ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۰

معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی مدیریت برنامه ریزی کشور،

برنامه چهارساله آموزش در کمیته راهبردی مورد تصویب قرار گرفت.

و اداره کل ثبت احوال استان خوزستان با توجه به اهداف کمیسیون

تحول اداری در راستای وظایف ذاتی سازمانی و همچنین به منظور

ساماندهی به امور پژوهش و آموزش در سطح اداره کل از سال ۱۳۸۵

شروع به فعالیت نموده و از سال ۱۳۸۸ اقدام به ایجاد کمیته

تخصصی تحت عنوان نظارت بر آموزش و پژوهش سازمان ثبت

احوال، به عنوان نمایندگی آموزش و پژوهش در استان فعالیت می

عضویت در کارگروه ها و افتخارات:

- بازرس ویژه سلامت اداری

- عضو گزینش (مصاحبه کننده و محقق)

- عضو کارگروه کمیته سرمایه انسانی

- عضو کارگروه نام

- عضو کارگروه امر به معروف و نهی از منکر

- عضو ستاد اقامه نماز

- رابط ازدواج آسان مستقر در استانداری خوزستان

- مجری سمینارها، جشنواره های و برنامه های مناسبیتی



خوزستان انجام شده توسط خانم پروانه مظفری وانایی و تحلیل دلایل انتخاب نام نوزدان توسط والدین در خوزستان انجام شده بعنوان طرح تکلیفی استان به عنوان آثار پژوهشی برتر توسط مرکز آموزش و پژوهش انتخاب و مورد تقدیر قرار گرفته اند.

نماید. کمیته مزبور شامل مدیران و کارشناسان حوزه ستادی اداره کل می باشد که با برنامه ریزی و تصمیم گیری در خصوص نحوه اجرای آموزش ها و همچنین پذیرش بررسی اجرا و ارزیابی طرح های پژوهشی و تحقیقی می پردازد.

از دیگر افتخارات این اداره کل این است که دو اثر پژوهشی با عناوین ارزیابی اثر بخشی پودمان های آموزشی اداره کل ثبت احوال

### ساختار تشکیلاتی کمیته آموزش، پژوهش و برنامه ریزی استان خوزستان:

#### شاهرخ خدادادی

مدیر اداره ثبت احوال شهرستان زاهدان - عضو کمیته

#### فاطمه بهمنی

رئیس اداره منابع انسانی و پشتیبانی - عضو کمیته

#### میثم امینی

رئیس اداره حقوقی - عضو کمیته

#### علی احمدی

مسئول آموزش و پژوهش استان - عضو کمیته

#### بهنام مریدی

مدیر کل و رئیس کمیته آموزش و پژوهش و برنامه ریزی

#### بابک علی پور

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی - عضو و دبیر کمیته

#### مهران اسماعیلی

معاون فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی - عضو کمیته

#### حبیب آقایی

معاون امور اسناد هویتی - عضو کمیته

#### عظیم محمد زاده

رئیس اداره حراست - عضو کمیته

### پژوهش های انجام شده اداره کل ثبت احوال استان خوزستان

ردیف	عنوان اثر	نام پژوهشگر
۱	عوامل جامعه شناختی خودکشی در شهر اهواز	محمد ستونه
۲	الگوریتم کارا جهت یافتن زیرگرافهای پر تکرار در شبکه اجتماعی با رویکرد موتیف	مریم زنگنه
۳	مدیریت تراکنش های مخرب در پایگاه داده سیار	احسان پیروزی
۴	رابطه رهبری اخلاقی با رفتارهای انحرافی و رفتارهای مدنی سازمانی	صادق محمدی
۵	بررسی تاثیر اشتغال زنان در هرم قدرت خانواده	مژگان سیفی پور
۶	مقایسه تطبیقی قانون تجارت با لایحه قانون تجارت جدید در امور ورشکستگی	رضا زاده
۷	ارزیابی اثر بخشی پودمان های آموزشی اداره کل ثبت احوال خوزستان	پروانه مظفری وانایی
۸	راه های شناسایی و کشف جعل اسناد و راه های مقابله با آن	سلمان سوقی
۹	تحلیل دلایل انتخاب نام نوزدان توسط والدین در خوزستان	اداره کل ثبت احوال استان با مشارکت دانشگاه شهید چمران اهواز



ارزش و اعتبار آمار های ثبتی بواسطه وجود قوانین ومقررات و رویه های قانونی است که زیربنای قانونی آنها را تشکیل داده است. رویداد های حیاتی در قالب اسناد هویتی شهر وندان در چارچوب قوانین و مقررات به ثبت می رسد، سابقه قانون گذاری برای ثبت رویداد های حیاتی در ایران اجمالاً بشرح زیر است: تصویب نامه ثبت احوال مصوب پنجاهم بهیستم سنبله سال ۱۲۹۷مشمتمل بر ۴۱ ماده، قانون ثبت احوال مصوب چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۰۴ مشتمل بر ۳۵ ماده، قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه سال ۱۳۰۷ مشتمل بر ۱۶ ماده، قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹مشمتمل بر ۵۵ ماده و آخرین مصوبه قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ مشتمل بر ۵۵ ماده است، این مقاله در ۴ بخش، مهلت اعلام، اعلام بعنوان یک عمل حقوقی، اعلام کنندگان قانونی و سیر تحول اقلام اطلاعاتی اسناد رویداد های حیاتی ارائه می شود.

### مهلت قانونی اظهار وقایع حیاتی توسط اعلام کنندگان قانونی در قوانین ثبت احوال

قانونگذار برای تنظیم و تنسيق امور و ثبت به موقع وقایع ولادت و مرگ همواره ظرف زمانی معینی را در نظر گرفته و اعلام کنندگان را مکلف به رعایت آن نموده است.

در تصویب نامه ثبت احوال مصوب ۱۲۹۷ قانونگذار در خصوص مهلت اعلام وقایع ولادت و وفات مهلت ۱۵ روزه پیش بینی نموده است.<sup>۲</sup> در قانون سجل احوال مصوب چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۰۴ مهلت اعلام رویداد ولادت ۱۰ روز و زمان قانونی گزارش واقعه وفات فقط ۴۸ ساعت در نظر گرفته شده بود،<sup>۳</sup> این تکلیف در مورد افرادی که مستقیماً با متولد یا متوفی ارتباط داشته باشند به شکل شدیدتری وجود داشت، قانون این افراد را (ماماها و مسئولین دفن) مکلف به اعلام کتبی یا شفاهی ظرف ۲۴ ساعت نموده بود و مجازات حبس برای سرپیچی از قانون برای آنان در نظر گرفته شده بود،<sup>۴</sup> این الزام و اجبار قانونی نتیجه تکلیف مامورین ثبت احوال در قبال

### حقوق ثبت احوال از منظر اظهار قانونی رویداد های ولادت و فوت و اثر آن بر ثبت به هنگام

#### سید مجید نبوی<sup>۱</sup>

#### چکیده:

قوانین و مقررات ثبت احوال از ابتدا (سال ۱۲۹۷) تا آخرین قانون مصوب که در سال ۱۳۵۵ به تصویب رسیده است همواره بر اعلام به موقع و در مهلت پیش بینی شده در قانون تاکید داشته است. فرآیند ثبت یک رویداد حیاتی (ولادت و مرگ) از جهتی به دو حوزه اعلام و ثبت تقسیم می شود. وظایف ثبت احوال در حوزه ثبت و تکالیف حوزه اعلام بعهده اعلام کنندگان قانونی است. اعلام کنندگان قانونی به دو دسته اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تقسیم می شوند. اثر اظهار دیر هنگام اعلام کنندگان قانونی اعم از صاحبان واقعه و مسئولین ذیربط، دیر ثبتی خواهد بود. ثبت احوال به منظور اینکه رویداد های حیاتی ثبت نشده باقی نمانند، در حوزه اعلام مداخله کرده و امر اعلام را با کشف رویداد و دعوت از صاحبان واقعه به اظهار قانونی رویداد تسهیل نموده است. مقاله حاضر با رویکردی جدید به مقوله دیر ثبتی نگریسته و سعی در تبیین علل ثبت دیر هنگام از این منظر متفاوت دارد.

**واژگان کلیدی:** ثبت رویداد های حیاتی - اظهار قانونی رویداد های حیاتی - اعلام کنندگان قانونی - دیر ثبتی - اعلام خارج از مهلت قانونی - اسناد هویتی - اقلام اطلاعاتی

#### مقدمه

برای رفع مشکل ثبت نابهنگام می بایستی وضعیت موجود از ابعاد مختلف ارزیابی شود در این مقاله سیر تحول و تطور قانونگذاری در مورد ثبت رویدادهای حیاتی در طول تاریخ ثبت وقایع حیاتی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن بیان می شود.

<sup>۲</sup> ماده (۷) تصویب نامه ثبت احوال مصوب پنجاهم بهیستم سنبله سال ۱۲۹۷

<sup>۳</sup> ماده (۹) قانون سجل احوال مصوب چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۰۴

<sup>۴</sup> ماده (۱۴) قانون سجل احوال مصوب چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۰۴

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد رشته حقوق خصوصی

اطلاع تقریباً مترادف هم بکار می روند. اطلاع در زبان عربی واقف گردیدن، دیده ور شدن، آگاه شدن و در فارسی به معنی آگاهی و خبر است و اعلام نیز به معنی آگاه ساختن، آگاه دادن و خبر دادن است.<sup>۷</sup> ولی بعنوان واژه ای خاص در ترمینولوژی حقوق ثبت احوال دارای مفاهیم جداگانه است.

اطلاع دادن صرفاً آگاه ساختن مامورین ثبت احوال یا اداره ثبت احوال از وقوع یک رویداد است ولی **اعلام** یک حکم قانون است و یک عمل قانونی محسوب می شود و دارای آثار حقوقی است به عبارتی رابطه بین اعلام و اطلاع عموم و خصوص مطلق است به این معنا که هر اعلام قانونی، اطلاع است ولی الزاماً هر اطلاع، اعلام قانونی نیست. " اعلام کننده کسی است که مکلف به اعلام واقعه می باشد و می تواند به شخص دیگری رسماً و کالت دهد تا از طرف او واقعه را اعلام نماید. " <sup>۸</sup> از مصادیق اطلاع رسانی می توان به موارد زیر اشاره داشت:

در صورتی که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه، کانون اصلاح و تربیت و غیره، متصدیان این سازمان ها مکلف به اطلاع واقعه و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می باشند.<sup>۹</sup> ماما یا پزشکی که در حین ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه از آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می باشد.<sup>۱۰</sup> متصدیان گورستان یا دفن مکلف به اطلاع وفات به ثبت احوال هستند.<sup>۱۱</sup> در این مصادیق اطلاع دادن مسئولین منجر به ثبت نمی شود و مامور ثبت احوال یا همچنان منتظر اعلام از سوی صاحبان واقعه می شود یا بطریقی صاحبان واقعه را دعوت به اعلام قانونی می کند. نظر به اینکه اعلام قانونی، الزاماً و معمولاً توسط مردم انجام می شود این اقدام ممکن است تحت تاثیر عوامل مختلف به تعویق افتاده و اهرم های ترغیبی، تشویقی و حتی تهدیدی (مجازات ها) کارگشا نبوده و نتیجتاً اعلام دیر هنگام باعث دیر ثبتي شود، برای حل این مشکل می بایستی دامنه اعلام قانونی را توسعه داد و به اطلاع

حکومت است که می بایستی ظرف ۵ روز اول هر ماه کلیه رویداد های ثبت شده را اعلام می نمودند.

قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۰۷ مهلتی ۱۰ روزه برای اعلام ولادت پیش بینی کرده بود،<sup>۱</sup> در این قانون، قانونگذار باز هم به رویداد فوت با حساسیت بیشتری نگریسته و فقط ۴۸ ساعت به اعلام کنندگان فرصت گزارش کردن واقعه فوت را داده است. در ۸۵ سال پیش قانونگذار برای اشخاص مرتبط با رویدادهای ولادت و وفات تکلیف سنگین تری را در نظر گرفته بود به طوری که پزشک، مسئول دفن و ماما و همینطور مسئولین موسسات می بایستی رویداد ولادت طفل متوفی یا فوت مادر را در موقع وضع حمل ظرف ۲۴ ساعت آن هم به طور کتبی به مامورین سجل احوال گزارش نمایند.<sup>۲</sup> قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ برای تولد مهلتی ۱۵ روزه<sup>۳</sup> و برای وفات حداکثر ۴۸ ساعت زمان برای اعلام در نظر گرفته است.<sup>۴</sup> قانون فعلی ثبت احوال که مصوب سال ۱۳۵۵ و اصلاحی سال ۱۳۶۳ است، مهلت اعلام رویداد ها را برای ولادت ۱۵ روز<sup>۵</sup> و برای وفات ۱۰ روز در نظر گرفته است.<sup>۶</sup>

مهلت اعلام رویداد بسته به زمان و مکان وقوع رویداد می تواند متفاوت باشد چرا که اعلام کنندگان در شرایط یکسانی نیستند بطور مثال با توجه به تعداد ادارات ثبت احوال و میزان پراکندگی آنها و عدم وجود اداره ثبت احوال در مناطق روستایی مهلت اعلام می بایستی برای ساکنین روستا نسبت به شهر نشینان طولانی تر باشد، همینطور برای ساکنین مناطق مرزی و کوچ نشینان نیز باید مهلتی خاص شرایط آنان در نظر گرفته شود. بنابر این تاخیر چند ماهه در بعضی مناطق، منطقی و در مقابل وقفه چند ساعته در برخی از نقاط کشور غیر قابل توجیه است.

### اعلام رویداد های حیاتی بعنوان یک عمل حقوقی

در قوانین ثبت احوال همواره دو واژه اعلام و اطلاع بکار رفته است که دارای بار معنایی متفاوتی است، در عرف و معنای لغوی واژه های اعلام و

۱ ماده (۴) قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه سال ۱۳۰۷

۲ ماده (۶) قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه سال ۱۳۰۷

۳ ماده (۲) قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۴ ماده (۱۱) قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۵ تبصره ماده (۱۵) قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸

۶ ماده (۲۵) قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸

۷ فرهنگ فارسی عمید - چاپ بیستم ۱۳۸۰

۸ تبصره ۱ ماده ۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

۹ تبصره ماده ۱۸ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

۱۰ ماده ۱۹ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

۱۱ تبصره ماده ۲۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

ثبت بهنگام و به محض توقف اقدامات فوق العاده و قرار گرفتن در شرایط عادی، وضعیت اعلام به حالت سابق بر می‌گشت. بدیهی است انجام طرح های ویژه از خود آثار آموزشی و فرهنگی گذاشته و اندکی در اعلام بهنگام تاثیر داشته است ولی برای پوشش کامل زمانی و جغرافیایی متمر ثمر نبودند. در اقدامات فوق العاده معمولاً ۴ گام تا ثبت یک واقعه طی می شد:

- ۱- کشف
- ۲- دعوت به اعلام
- ۳- اعلام
- ۴- ثبت

از این چهار مرحله فقط مرحله چهارم یعنی ثبت رویداد تکلیف ثبت احوال است و ۳ گام قبلی بعنوان یک کار فوق العاده و برای تسهیل در اعلام بموقع رویداد های حیاتی توسط مامورین ثبت احوال انجام می شد. این در حالی است که چنانچه مسئولین مرتبط با رویداد های حیاتی ولادت و مرگ در سایر دستگاهها برابر قانون وظیفه خود را انجام دهند و مهم تر از آن اطلاع رسانی آنان بمنزله اعلام قانونی تلقی گردد، عواملی که مانع اعلام بهنگام واقعه توسط صاحبان واقعه می شد، تاثیری بر اعلام توسط عوامل سایر دستگاهها نداشته و امروزه با بهره گیری از فناوری اطلاعات هیچ رویدادی دچار دیر ثبتی نخواهد شد.

## اعلام کنندگان قانونی رویداد های حیاتی ولادت و مرگ در قوانین

### ثبت احوال

در قانون سال ۱۲۹۷ پدر و در غیاب او مادر یا جد مکلف به اعلام ولادت بودند. درخصوص فوت قانون روسای خانواده را مسئول اعلام نموده بود.<sup>۲</sup> در قانون سال ۱۳۰۴ پدر و در غیاب او مادر اعلام کننده واقعه ولادت بود<sup>۳</sup> و در مورد وفات این مسئولیت بر عهده دو نفر از ساکنین محل وفات بود و در خصوص افرادی که دارای مسکن ثابت نیستند به عهده مامورین تنظیم است<sup>۴</sup>، در این قانون ماما ها و مسئولین گورستانها به واسطه ارتباط مستقیم با متولد یا متوفی اعلام کننده هستند. قانونگذار پیش بینی اعلام رویداد در شرایط خاص را نیز نموده است بطور مثال تولد در کشتی باید توسط پدر و مادر اعلام و از ناخدا گواهی دریافت شود و در اولین بندر ایرانی یا خارجی

رسانی های فوق الذکر مسئولین مرتبط با رویداد های حیاتی مذکور در قانون رسمیت بخشید و اطلاع رسانی آنان را به منزله اعلام قانونی تلقی کرد.

در قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ امکانات و ظرفیت های خوبی وجود دارد که چنانچه این ظرفیت ها با ساز و کار های مناسب بکار گرفته شوند تقریباً هیچ واقعه ای که در شرایط عادی بوقوع بپیوندد دچار دیر ثبتی نخواهد شد. برخی از این ظرفیت ها عبارتند از: ماده ۲۷ قانون ثبت احوال، آئین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۵ قانون مذکور و شورای عالی ثبت احوال، با بهره گیری از این ظرفیت های قانونی دایره شمول اعلام و اعلام کننده توسعه می یابد و مطمئناً موجب تسهیل امر اعلام قانونی و به تبع آن ثبت رویداد خواهد بود. در طول ۹۰ سال گذشته تکلیف اعلام اساساً به عهده صاحبان واقعه بوده و فقط در شرایط استثنایی مامورین دولتی (به غیر از مامورین ثبت احوال) موظف به اعلام شده بودند.

اعلام قانونی رویدادهای ولادت و فوت بنابر نتایج پژوهشهای انجام شده طی ۲۰ سال گذشته همواره متاثر از عوامل اجتناب ناپذیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است. از زمان تاسیس ثبت احوال در ایران، ثبت رویدادهای حیاتی هیچگاه به تعویق نیافتاده است.<sup>۱</sup> ثبت وقایع به هیچ وجه نباید به عهده تعویق افتد و در ثبت هر واقعه سال، ماه، روز و ساعت آن قید می گردد.<sup>۱</sup>

همواره پوشش ثبتی تقریباً کامل بوده است و با انجام اقدامات خارج از اداره تحت عنوان دهگردشی مامورین ثبت احوال در مناطق روستایی حضور مستمر داشته اند که البته این اقدام شرط لازم برای ثبت بود و شرط کافی اقدام مردم بعنوان اعلام کننده قانونی در اعلام وقایع حیاتی است، بهر حال هر شخصی به دلیلی در اعلام رویداد تاخیر می کند و اهرم های مختلف دولت برای اعلام بموقع کارگر نیفتاده است و هنوز شاهد تاخیر در اعلام رویدادهای حیاتی هستیم.

از حدود ۱۵ سال پیش تاکنون هرگاه اقدام فوق العاده ای صورت می پذیرفت از جمله طرح پوشش کامل ثبت وقایع حیاتی یا طرح شهید ارجمندی یا اقدامات ویژه در مناطق خاصی از کشور، تنها در آن دوره حجم ثبت بالا می رفت و نتیجه آن طرح ها صرفاً جبران مافات (ثبت معوق) بود تا

۲ ماده ۷ تصویب نامه ثبت احوال مصوب سل ۱۲۹۷

۳ ماده ۹ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

۴ ماده ۱۰ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

<sup>۱</sup> ماده ۷ آیین نامه قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹

باشد، متصدی یا نماینده موسسه ای که طفل به آنجا سپرده شده است، صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد<sup>۱۰</sup>

این قانون برای اعلام واقعه فوت نیز قائل به ترتیب شده است و مثل ولادت در زمان اعلام، امضای سند نیز باید انجام شود، این وظیفه به ترتیب به عهده نزدیک ترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضر بوده است، متصدی یا صاحب مکانی که وفات در آن رخ داده یا نماینده او، هر شخصی که در موقع وفات حاضر بوده است، ماموران انتظامی یا کدخدا است.<sup>۱۱</sup>

در این قانون امکانی پیش بینی شده است که چنانچه مامورین دولتی انتظامی یا قضایی رویداد ولادت یا وفاتی را اعلام نمایند نیازی به امضای سند نیست و همان نامه مستند ثبت قرار می گیرد.<sup>۱۲</sup> در صورتیکه وفات یا ولادت طی نامه رسمی از طرف ماموران انتظامی یا قضائی و یا سایر مقامات اعلام شود شماره و تاریخ اعلامنامه در سند درج و به منزله امضاء سند خواهد بود.<sup>۱۳</sup> ظرفیت ایجاد شده در قانون فعلی می تواند بازوی توانایی برای رفع معضل اعلام دیر هنگام از سوی اعلام کنندگان قانونی خصوصاً مردم باشد ولی برای بکارگیری آن نیازمند مکانیزمی برای اجرا هستیم. در مواد فوق الذکر انواع اعلام کنندگان برای شرایط مختلف توسط قانونگذار پیش بینی شده است ولی در بین آنها ماده ۲۷ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ دست را کاملاً باز گذاشته است و به ماموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اختیار اعلام رسمی رویداد ولادت و وفات داده است و مهم تر اینکه نیازی به حضور آنها در اداره ثبت احوال برای امضای سند نیست، درج شماره و تاریخ اعلام نامه در سند به منزله امضای سند است.

واژه مقامات قدری ابهام دارد که مستفاد از ماده ۲۸ می توان تفسیری مضیق از آن واژه داشت، در ماده ۲۸ از مقامات، به مقامات انتظامی یا گروههای امدادی و فرماندهان نظامی یاد کرده است. در قوانین سابق نیز از مامورین دولتی برای اعلام استفاده کرده اند. چنانچه واژه همکاری مذکور در تبصره ۱ ماده ۵ به عنوان اعلام تفسیر شود و برای ایجاد وحدت رویه دستورالعمل خاصی برای اعلام به تصویب شورای ثبت احوال برسد این ماده می تواند زیرساخت مناسبی برای کلیه رویدادهای حیاتی باشد و با بهره گیری از فناوری اطلاعات در اسرع وقت کلیه وقایع حیاتی به ثبت برسد. در

واقعه به ثبت برسد<sup>۱</sup> در مورد وفات حین مسافرت و در راه، مامورین پلیس مکلف به اعلام به ثبت احوال شده اند.<sup>۲</sup> قانون سال ۱۳۰۷ اعلام واقعه ولادت را به عهده پدر یا مادر یا ماما گذاشته است و در مورد اطفال متولد در موسسات روسای آن موسسات مکلف به اعلام بودند.<sup>۳</sup> در این قانون اعلام رویداد وفات به عهده نزدیکترین اقربای حاضر شخص متوفی یا وکیل و یا نماینده آنان و در صورت نبودن این افراد به ترتیب بر عهده سرپرست یا مستخدمین خانه بود. در شرایطی که طفل فوت کند یا مادر حین وضع حمل فوت نماید پزشک معالج و مسئول گورستان و ماما ملزم می باشند ظرف ۲۴ ساعت مراتب را کتباً به ثبت احوال اطلاع دهند.<sup>۴</sup> فوت اشخاص در موسسات عام المنفعه می بایستی توسط روسای آن موسسات اعلام گردد.<sup>۵</sup>

قانون سال ۱۳۱۹ برای اعلام رویداد ولادت قائل به ترتیب شده است اولاً پدر، ثانیاً ولی یا سرپرست طفل و ثالثاً مادر می بایستی رویداد را اعلام نمایند.<sup>۶</sup> در شرایط تولد در کشتی ناخدا گواهی تولد صادر می کند و متصدی نگهداری طفل در اولین شعبه ثبت احوال در ایران یا در نمایندگی کنسولی اعلام رویداد می کند<sup>۷</sup>، در مورد اعلام واقعه فوت قانونگذار به ترتیب، نزدیک ترین اقربای حاضر متوفی، سرپرست ساکنین خانه محل فوت، مستخدمین خانه، هر شخص که حاضر باشد، مامورین شهربانی، بخشدار یا کدخدا را مکمل به اعلام نموده است.<sup>۸</sup> وفات در موسسات بعهد مدیر یا متصدی آن موسسات است.<sup>۹</sup>

در حال حاضر قانونگذار به همراه اعلام، امضای دفتر ثبت کل وقایع را نیز حکم کرده است و می بایستی توامان با اعلام به ترتیب توسط: پدر یا جد پدری، مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل

۱ ماده ۳۲ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

۲ ماده ۳۳ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۰۴

۳ ماده ۴ قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷

۴ ماده ۶ قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷

۵ تبصره ۲ ماده ۶ قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷

۶ ماده ۳ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۷ ماده ۹ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۸ ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۹ ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹

۱۰ ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳

۱۱ ماده ۲۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳

۱۲ ماده ۲۷ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳

در ایران تا کنون مشترک بوده و بقیه اقلام به شرح جدول زیر در بعضی از اسناد گنجانده نشده است.

اسناد نوع اول که در اوایل تاسیس ثبت احوال بکار می رفته تقریباً کامل ترین نوع سند ولادت بوده و فقط اقلام سواد پدر و تاریخ تولد مادر در آن وجود نداشته است.

در اسناد نوع دوم بجز نام پدر و مادر اطلاعات دیگری از والدین به ثبت نمی رسیده، سن اعلام کننده و گواه و همینطور شغل گواه و ساعت تولد نوزاد نیز از اقلامی است که در سند نوع دوم نیامده بود.

در اسناد نوع سوم اطلاعات پدر کاملاً جمع آوری می شد ولی از مادر فقط نام و نام خانوادگی وی در سند درج می شد در این نوع سند در مقایسه با نوع دوم علاوه بر ساعت تولد، محل تولد نیز جمع آوری نمی شد سن اعلام کننده و گواه و همینطور شغل گواه نیز مثل سند نوع دوم در سند تعبیه نشده بود.

در سند نوع چهارم سواد پدر حذف شده، اطلاعات مادر تغییری نسبت به سند نوع سوم ندارد و شغل و آدرس اعلام کننده نیز حذف شده است و همینطور سن و شغل گواهان.

سند نوع پنجم؛ سند جاری اطلاعات نوزاد کامل است ولی از والدین اعلام کننده و گواهان فقط نام و نام خانوادگی و تاریخ تولدشان جمع آوری می شود، فرق این سند با سایر انواع اسناد در درج تاریخ ازدواج والدین است.

از زمان بهره گیری ثبت احوال از فناوری اطلاعات در امور ثبت رویداد های حیاتی، مجموعه اطلاعاتی را حسب نیاز زمان خود همراه با ثبت ولادت جمع آوری می نموده که در سند ولادت پیش بینی نشده بود. آن اقلام عبارتند از: دین، تعداد مولود، مستند ثبت، نوع ازدواج والدین و زایمان توامان.

اقلامی نیز مورد نیاز مطالعات جمعیتی است که پیشنهاد جمع آوری آن از سوی متولیان امر شده است که عبارتند از: تحصیلات و شغل والدین، تاریخ تولد فرزند قبل، طول دوره بارداری و موارد ورود به تابعیت.

واقع یک ثبت اتوماتیک صورت گیرد و به عبارتی هیچگاه صاحبان واقعه عمل ثبت را احساس نکنند.

با توجه به مطالب پیش گفته در این بخش، ثبت رویداد فوت با استفاده از این ظرفیت قانونی امکان پذیر است، ولی در مورد ثبت رویداد ولادت تنها نام نوزاد است که می بایستی توسط والدین انتخاب و اعلام شود و مابقی اقلام سند ولادت نیاز به تصمیم والدین ندارد. این مورد تنها اطلاعی است که موکول بر تصمیم والدین است و خود یکی از عوامل اعلام دیر هنگام توسط اعلام کنندگان قانونی است. از آنجائیکه این اطلاع صرفاً در زمان صدور شناسنامه نوزاد مورد نیاز است و به واقع تاثیر چندانی در ثبت رویداد و تنظیم سند هویتی ندارد، اگر بتوان تنها این مورد را که موکول به تصمیم والدین است به آینده واگذار نمود (بعد از انتخاب نام توسط والدین و مراجعه برای اخذ شناسنامه)، درصد قابل توجهی از رویدادهای ولادت که این عامل تاخیر باعث دیرثبیتی آنها شده است به موقع ثبت خواهند شد. ظرفیت قانونی ماده ۲۷، آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۵، تفاهم نامه همکاری مشترک سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و دستورالعمل اجرایی آن و همچنین پتانسیل شورای عالی ثبت احوال می تواند با مکانیزمی خاص مسئله اعلام دیر هنگام و به تبع آن دیرثبیتی را ریشه کن کند.

### اقلام اطلاعاتی انواع اسناد رویداد های حیاتی

#### ۱- سند ثبت رویداد ولادت

در طول تاریخ ثبت احوال شکل و اقلام مندرج در اسناد هویتی حسب نیاز های زمان خود تغییراتی یافته است، در این بخش از مقاله که با رویکرد تولید آمار های جمعیتی صورت گرفته ۵ نوع سند به ترتیب زیر که تقریباً تمام اسناد هویتی موجود در پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور را شامل می شود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

اسناد نوع اول از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۴، اسناد نوع دوم در سال ۱۳۱۵، اسناد نوع سوم از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰، اسناد نوع چهارم از ۱۳۲۱ تا ۱۳۶۳ و اسناد نوع پنجم از ۱۳۶۴ تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است.

بطور کلی از حدود ۳۰ قلم اطلاعاتی که در اسناد ادوار مختلف وجود دارد، تعداد ۱۱ قلم آن در تمامی انواع اسناد هویتی از بدو تاسیس ثبت احوال



پروژه نام ثبت

سال ششم، شماره ۲۲، شهریور ۱۳۹۶



اقلام اطلاعاتی اسناد ولادت در سیر تحول اسناد هویتی						
موضوع	اقلام	انواع اسناد هویتی				
		سند نوع اول ۱۳۱۴-۱۲۹۷	سند نوع دوم ۱۳۱۵	سند نوع سوم ۱۳۲۰-۱۳۱۶	سند نوع چهارم ۱۳۶۳-۱۳۲۱	سند نوع پنجم ۱۳۶۴ تا کنون
نوزاد	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	جنس	■	■	■	■	■
	تاریخ ثبت (اعلام)	■	■	■	■	■
	تاریخ تولد	■	■	■	■	■
	ساعت تولد	■	■	■	■	■
	محل تولد	■	■	■	■	■
	محل ثبت	■	■	■	■	■
پدر	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	تاریخ تولد	■	■	■	■	■
	شغل	■	■	■	■	■
	سواد	■	■	■	■	■
	مسکن	■	■	■	■	■
ازدواج	ازدواج والدین	■	■	■	■	■
	نام	■	■	■	■	■
مادر	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	سن	■	■	■	■	■
	تاریخ تولد	■	■	■	■	■
	مسکن	■	■	■	■	■
اعلام کننده	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	سن	■	■	■	■	■
	نسبت با نوزاد	■	■	■	■	■
	شغل	■	■	■	■	■
	مسکن	■	■	■	■	■
گواهان	نام	■	■	■	■	■
	نام خانوادگی	■	■	■	■	■
	سن	■	■	■	■	■
	شغل	■	■	■	■	■
	مسکن	■	■	■	■	■
اقلامی که حسب نیاز توسط سامانه ثبت وقایع حیاتی جمع آوری می شود	دین					
	تعداد مولود					
	مستند ثبت ولادت					
	نوع ازدواج والدین					
دیگر اقلام مورد نیاز	زایمان توانان					
	تحصیلات مادر					
	تحصیلات پدر					
	شغل مادر					
	شغل پدر					
	تاریخ تولد فرزند قبل					
	طول دوره بارداری					
ورود به تابعیت						



۲- سند ثبت رویداد وفات

جغرافیایی خود علاوه بر انجام وظیفه در محل اداره در نقاط شهری، بطور فوق العاده نیز مامورین خود را به نقاط روستایی اعزام داشته و نسبت به ثبت رویدادهای ولادت و فوت اقدام می نماید، در ۱۵ سال گذشته سازمان ثبت احوال کشور یک برنامه فوق العاده را در جهت ثبت بهنگام اجرا نموده که شامل ۴ فعالیت (۱- کشف ۲- دعوت به اعلام ۳- اعلام ۴- ثبت رویداد) بوده است، در این برنامه فعالیت های اول، دوم و چهارم توسط ثبت احوال و فعالیت سوم توسط اعلام کننده قانونی انجام می شد. بنابراین از ۳ فعالیت انجام شده توسط ثبت احوال فقط فعالیت چهارم وظیفه قانونی او بوده و دو فعالیت اول و دوم بطور خاص و موقتی در جهت ثبت بهنگام صورت می پذیرفت.

راهکار عملی برای اعلام رویدادهای ولادت یا مرگ با کمترین فاصله بعد از وقوع آنها می تواند بکارگیری ظرفیت های قانونی موجود نظیر ماده ۲۷ و آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۵ قانون ثبت احوال باشد، همچنین بهره برداری از تفاهم نامه همکاری مشترک سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و دستورالعمل اجرایی آن برای ثبت رویداد های وفات و استفاده از پتانسیل شورای عالی ثبت احوال در تصویب دستورالعمل های لازم در جهت تسهیل امر اعلام و نیز طراحی ساز و کار اعلام قانونی رویدادهای ولادت و مرگ توسط دستگاههای ذیربط و مبادی مرتبط با وقوع رویداد های حیاتی، مبتنی بر قانون و مقررات موجود می تواند به ثبت به هنگام کمک کند. بهره گیری از فناوری اطلاعات در هماهنگی کامل با نرم ها و استانداردهای ثبت احوال در انتقال اطلاعات رویداد های حیاتی از مبداء وقوع یا اعلام به سامانه های ثبت رویدادهای حیاتی نیز تسهیل کننده است.

#### منابع:

- ۱- قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۲۹۷
- ۲- قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۰۴/۲/۱۴
- ۳- قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷/۵/۲۰
- ۴- قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹
- ۵- قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه سال ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه

۶۳/۱۰/۱۸

اسناد وفات به اندازه اسناد ولادت دستخوش تغییرات نشده است و تنها در ۳ شکل وجود داشته است، اسناد نوع اول از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۷۴، اسناد نوع دوم از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ و اسناد نوع سوم از سال ۱۳۸۷ تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است. اقلام اطلاعاتی سند وفات نیز همانند شکل آن تغییرات زیادی نداشته است و بجز علت فوت مسئله خاصی ندارد و می بایستی همچون رویداد ولادت به کیفیت جمع آوری اقلام فعلی پرداخته شود، اقلامی نیز در رابطه با تولید آمارهای جمعیتی مورد نیاز است که در جدول زیر آمده است.

اقلام اطلاعاتی سند ثبت رویداد فوت		
اقلام	سند فعلی	دیگر اقلام مورد نیاز
جنس	■	
تاریخ تولد	■	
تاریخ ثبت	■	
تاریخ فوت	■	
علت فوت	■	
محل سکونت	■	
مستند ثبت	■	
محل ثبت	■	
وضعیت ثبت وفات	■	
محل فوت		■
نوع اعلام به تفکیک اعلام کننده حقوقی		■
دین و مذهب		■
شغل		■

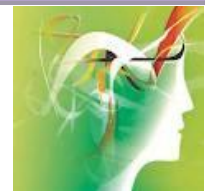
#### خلاصه و نتیجه گیری:

تعویق اعلام قانونی مانع اساسی ثبت بهنگام رویدادهای حیاتی است، وظیفه اعلام رویداد هیچگاه بعهده ثبت احوال نبوده و در حال حاضر هم نیست، ثبت رویداد های حیاتی اعلام شده به ثبت احوال در طول تاریخ تاسیس آن هیچگاه به تاخیر نیافتاده است و ثبت احوال برای پوشش



هویت مضاعف در قرن بیست و یکم

نتایج بدست آمده نیز گویای این مطلب است که عمده ترین علل تقاضای تغییر سن استخدام و ادامه تحصیل و ازدواج می باشد که در فصول چهارم و پنجم به تفصیل شرح داده شده است.



واژگان کلیدی:

قانون - ماده واحده - اصلاح سن - تغییر تاریخ تولد- ابطال سند و شناسنامه- اعتباراسناد- تزلزل اسناد سجلی

هویت مضاعف در قرن بیست و یکم<sup>۱</sup>

مهدی بصیری ملکی<sup>۲</sup>

با همکاری سعید کاشانی و نسرین حسن زاده

چکیده:

تغییر سن یا همان ابطال و صدور شناسنامه یا اصلاح سن که در قالب وشکل عدم تعلق سند سجلی به متقاضی وتعلق آن به خواهر و برادر فوت شده است و اشخاص مدعی هستند که قبل از تولد خواهر یا برادری داشتند که در دوران کودکی فوت نموده ؛ والدین شناسنامه آن را ابطال نکرده و به وی اختصاص داده اند. و کلیه دادخواست ها نیز براین اساس و در یک قالب و شکل واحد مطرح می شوند.

در واقع ماهیت این دعوی اصلاح تاریخ تولد به خاطر موارد نیاز اشخاص و فرار از شرایط محدودیت سن می باشد. که دادگاه های مختلف برای یک موضوع واحد و با شرایط یکسان احکام متفاوت صادر می کنند. هدف این تحقیق نیز بررسی علل و عوامل تغییرسن در قالب ابطال و صدور و تطابق یافته ها با فرضیه ها است. نهایتاً ارائه راهکارهای مناسب عملی و علمی جهت استفاده مسئولان و سیاستمداران می باشد.

اهمیت این تحقیق از این بابت است که تغییر سن بیانگر وجود ضعف در قوانین جامعه است و به دلیل اینکه تأثیر بسزائی در نوع استخدام و آمارهای وقایع حیاتی از جمله ولادت و فوت و سایر مدارک رسمی می گذارد از اهمیت بالائی برخوردار است.

مقدمه:

برخی اشخاص به دلیل مشکلات تحصیلی؛ استخدامی؛ ازدواج؛ و پیش بینی و آینده نگری برای کنکور سراسری و ادامه تحصیل و یا اشتغال و حتی اخذ وامهای خود اشتغالی؛ اقدام به ارائه دادخواست به اصطلاح ابطال و صدور شناسنامه می نمایند. که در واقع ماهیت این دعاوی اصلاح تاریخ تولد بخاطر موارد مذکور می باشد، دادگاه های مختلف برای یک موضوع واحد و با شرایط یکسان احکام متفاوت صادر می کنند. و استناد محاکم نیز شهادت دو نفر گواه و در پاره ای موارد گواهی پزشکی قانونی می باشد. همچنانکه محرز است ماهیت واصل دعاوی مذکور اصلاح سن بخاطر رسیدن به هدف مورد نظر است که با روح ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و شناسنامه مصوب مجلس محترم شورای اسلامی منافات دارد از طرفی چون اسناد سجلی و شناسنامه جزء اسناد رسمی و دولتی است بنابراین نادیده گرفتن ماده واحده و مادتهای ۱۲۸۵ و ۱۲۸۷ و ۱۲۹۲ و ۱۳۱۵ قانون مدنی و بخشنامه های ۱۳۷۷-۱/۷۷/۱۰۰۵ و ۱۳۷۷ و ۱/۷۹/۱۶۹۴۶-۱۳۷۹ ریاست محترم قوه قضائیه را بدنبال دارد که نهایتاً آمارهای حیاتی ولادت و فوت سالهای قبل را نیز دچار تزلزل می نماید بطوریکه برای یک فرد ۲ واقعه ولادت و ۲ واقعه فوت ثبت می شود. که این موضوع از نظر علم آمارو جمعیت شناسی نیز قابل قبول نمی باشد.

<sup>۱</sup> . مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی هویت مضاعف در قرن ۲۱ ( ابطال و صدور شناسنامه ) انجام شده در اداره کل ثبت احوال آذربایجان شرقی است.  
<sup>۲</sup> . رئیس اداره ثبت احوال منطقه یک تبریز

دوران کودکی بنا به عللی فوت شده اما والدین شناسنامه آن را نگه داشته و به فرزند دیگر که خواهان دعوی است اختصاص داده اند.

قبل از تصویب ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۲ مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای محترم نگهبان واژه و اصطلاح ابطال و صدور شناسنامه وجود نداشت و اشخاص با مراجعه به محاکم دادگستری درخواست اصلاح تاریخ تولد را می نمودند و تنها تاریخ تولد در اسناد سجلی و شناسنامه تغییر می یافت. اما پس از تصویب ماده واحده و ایجاد وقفه چند ماهه اشخاص به کمک و مساعدت محاکم دادگستری اقدام به طرح موضوع تعلق و عدم تعلق شناسنامه به دیگری را مطرح نمودند که ابتدا پس از ابطال به استناد بخشنامه شماره ۱/۳۶۰ سازمان ثبت احوال کشور پس از اجرای حکم صادره فوت شخص متوفی در اسناد سجلی ثبت و شناسنامه مورد دعوی را باطل نموده و در اجرای بند ((ب)) ماده ۴۵ قانون ثبت احوال کشور پس از تعقیب کیفری به دلیل مدعی بودن شخص مبنی بر اینکه از بدو تولد تا صدور حکم برای وی سند سجلی تنظیم نگردیده با رعایت کلیه موارد و مقررات قانونی و برابر ماده ۴۵ قانون ثبت احوال کشور سند سجلی تنظیم و شناسنامه صادر می شد. اما با ملغی شدن بخشنامه مذکور در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اجرای ماده ۴۵ قانون ثبت احوال کشور و نهایتاً هم اجرا و مراحل انجام کار کوتاهتر و آسانتر شد و هم روز به روز بر تعداد این نوع پرونده ها افزوده شد. علی رغم عدم وجود قانون صریح و وحدت رویه قضایی این امر در سطح کشور به صورت یک رویه جاری و عادی ادامه یافت.

**ماده واحده:** از تاریخ تصویب این قانون تغییر تاریخ تولد اشخاص ممنوع است.

تبصره: صاحب شناسنامه تنها یکبار در طول عمر و در صورتی که اختلاف سن واقعی با سن مندرج در اسناد سجلی به تشخیص کمیسیونی مرکب از فرماندار یا بخشدار رئیس اداره ثبت احوال محل و پزشک منتخب؛ مدیرعامل سازمان بهداری استان و رئیس شورای اسلامی شهر و یا بخش محل صدور شناسنامه و با عضویت و ریاست

از طرفی برخی از قضات محترم به ویژه دادرسان محترم با نادیده گرفتن مواد قانونی مذکور به استناد ماده ۴ قانون ثبت احوال کشور یا ماده ۹۹۵ قانون مدنی و با ملاک و مستند قراردادن شهادت دو نفر گواه برابر نظریه شورای محترم نگهبان در خصوص ابطال ماده ۱۳۰۹ آئین دادرسی مدنی اقدام به صدور رأی بر علیه ادارات ثبت احوال می نمایند.

بهرحال قانونگذار در صدر ماده واحده صراحتاً عنوان نموده که هرگونه تغییر تاریخ تولد ممنوع است. پس چنین استنباط می شود چون ماهیت دعاوی ابطال و صدور شناسنامه صرف نظر از شکل و شیوه عملی نوعی تغییر تاریخ تولد است. بنابراین؛ این امر نیز باید ممنوع باشد. حال بر فرض این که چنین نباشد؛ چون ماده ۲ قانون تخلفات و جرائم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی اشخاصی را که در اعلام تولد و فوت، شهادت دروغ دهند مجرم شناخته است. بنابراین پدر و مادر و خود اشخاص که حکم بر له شان صادر شده مجرم هستند و برعکس چنان که حکم بر علیه شان صادر می شود. خود خواهان و گواهان تعرفه شده نیز مجرم بوده و قابل پیگرد قانونی هستند.

بنابراین در یک بعد قضیه اشخاص مرتکب قصور و تخلف شده اند که حقی برگردن قانون و قانونگذار نیست اما در بعد دیگر قضیه قانون و قانونگذار و مجریان قانون با ایجاد بستر لازم عملاً زمینه قصور و ارتکاب جرم را اشاعه می دهند بطوریکه اشخاص وسوسه شده و اقدام به ادعای خلاف واقع و شهادت دروغ می نمایند که در اینجا وظیفه قانون و قانونگذار و مجریان قانون است که این زمینه را از بین ببرند. و چون اقرار و گواهان جزء بینه شرعی هستند و در برخی موارد حتی گواهان مجبور به اتقان سوگند می شوند که از نظر شرعی نیز مرتکب گناه خواهند شد.

#### بیان مسئله:

ابطال و صدور شناسنامه (سند سجلی) اصطلاحی است که اشخاص مدعی هستند که قبل از تولدشان برادر و خواهری داشته اند که در

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۹۹-  
۱۳۷۴/۱/۱۳

براساس ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از  
تزلزل آنها مصوب بهمن ۱۳۶۷؛ تغییر تاریخ تولد اشخاص به کمتر از ۵  
سال ممنوع می باشد. و رسیدگی به درخواست تغییر سن بیش از ۵  
سال به تحریر تبصره همین قانون منحصرأ به عهده کمیسیون مقرر در  
آن محول شده است. بنا به مراتب به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی  
دیوان عالی کشور؛ رأی شعبه ۶ که موجب رسیدگی و اظهار نظر  
نسبت به درخواست تغییر تاریخ تولد کمتر از ۵ سال را دادگاههای  
دادگستری اعلام نموده است. منطبق با قانون و صحیح تشخیص می  
شود. این رأی برطبق ماده واحده وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸  
برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع  
است.

با توجه به صراحت ماده واحده متاسفانه هیأت عمومی دیوان عالی  
کشور یا توجهی به این قانون نداشته و یا اینکه عالماً و عامداً دست به  
این اقدام زده است. این رأی قابل تغییر می باشد به این صورت که اولاً  
علیرغم اینکه هیأت عمومی صراحتاً در صدر رأی وحدت رویه به  
ممنوعیت تغییر تاریخ تولد اشخاص اشاره نموده است. البته شاید این  
ایراد وارد شود که منظور هیأت عمومی از صدور رأی وحدت رویه فوق؛  
صدور اذن به تغییر تاریخ تولد اشخاص نبوده بلکه در جهت حل  
تعارض و اختلاف فیما بین محاکم مربوطه است و نمی توان باستناد این  
رأی به دعوی مربوط به تغییر تاریخ تولد رسیدگی کرد. (ثبت؛ شماره  
۸۶؛ خرداد ۷۸؛ صفحه ۲۴).

از طرف دیگر شاید گفته شود که رأی مزبور در مقام بیان صلاحیت  
محاکم دادگستری و غیر دادگستری بوده و اینکه پس از احراز  
صلاحیت محاکم دادگستری آنها مجاز به صدور حکم بر تغییر تاریخ  
تولد اشخاص می باشند یا نه، باید به قوانین مراجعه کرد و حکم قضیه  
را یافت و حکم قضیه نیز در همان ماده واحده صراحتاً اعلام شده  
و تغییر تاریخ تولد اشخاص مطلقاً ممنوع است. مگر اینکه اختلاف سن  
واقعی با سن مندرج در سند سجلی بیش از پنج سال باشد. که این هم

قاضی دادگاه صالحه محل تشکیل می گردد. بیش از ۵ سال باشد می  
تواند سن خود را اصلاح نماید. (قانون مذکور در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲  
در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۲ به تأیید  
شورای نگهبان رسیده است).

آنچه از ماده واحده مصوب سال ۱۳۶۷ متصور می باشد. این  
است؛ که تغییر سن اشخاص ممنوع است و حتی دادگاه ها نیز  
صلاحیت ذاتی جهت تغییر ندارند؛ و تبصره آن صراحتاً بیان داشته  
چنانکه اختلاف سن واقعی با سن اشخاص بیش از ۵ سال باشد در  
صلاحیت کمیسیون تشخیص سن مسقر در اداره ثبت احوال محل  
تنظیم سند است. بنابراین قانونگذار با تصویب اصل ماده واحده خواسته  
این دعاوی در دادگاه مطرح نشود و با گذاشتن تبصره سعی نموده اگر  
مورد خاصی هم بوده باشد آن نیز در دادگاه مطرح نشود بلکه به دلیل  
تخصصی بودن در کمیسیون تشخیص سن ادارات ثبت احوال مطرح و  
اتخاذ تصمیم شود.

آنچه از این قانون استنباط می شود در وهله اول موضوع  
ممنوعیت تغییر سن افراد است و در وهله دوم اجازه اصلاح سن تحت  
شرایط خاص منظور شده و دیگر اینکه داشتن صلاحیت ذاتی  
کمیسیون تشخیص سن ادارات ثبت احوال در خصوص اصلاح سن  
است. آنچه معلوم می شود؛ برای دادگاه ها نه تغییر و نه اصلاح سن  
متصور نمی باشد. و می بینیم که عملکرد محاکم دادگستری در خصوص  
ماده واحده در خیلی از موارد متفاوت بوده و بیشتر دادگاه ها تفسیر به  
رأی نموده و حکم صادر می نمایند.

#### وحدت رویه قضایی:

باتوجه با اینکه شعب ششم و بیست چهارم دیوانعالی کشور در  
استنباط از ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از  
تزلزل آنها آراء مختلف صادر کرده و رویه های متفاوتی اتخاذ نموده اند  
لذا طرح موضوع در هیأت عمومی بر ایجاد وحدت رویه ضروری بنظر  
می رسد.

تغییر نیز عوض نمودن یک واژه به واژه دیگر بدون دخل و تصرف در کلیات می باشد.

۳- شهادت گواهان یکی از مهمترین مستند دادگاه است که متأسفانه برخی اشخاص با وجود علم به عدم آگاهی از واقعه و به خاطر آشنایی و رفاقت و به صورت کاملاً تعلیمی ادعای شهادت می کنند. در بحث شهادت شهود آنچه معلوم و محرز است ابطال ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی است که بیان داشته ((در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی گردد)) که این ماده از این نظر که شهادت بینة شرعیه را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته برابر نظریه شورای نگهبان منتشره در روزنامه رسمی ۱۲۷۳۴-۱۳۶۷/۸/۲۴ خلاف موازین شرع و بدین جهت ابطال شده است. (آئین دادرسی مدنی - جهانگیر منصور - صفحه ۲۴). و این امر دست قضات دادگاه ها را باز گذاشته جهت صدور احکام مبنی بر ابطال اسناد سجلی و صدور سند و شناسنامه جدید. و عمده آسیب وارده بر اسناد سجلی نیز از همین ناحیه صورت می گیرد. چون اشخاص سند و مدرک مستندی دال بر فوت خواهر و برادر و تولد خود نمی توانند ارائه دهند و مستندشان شهادت گواهان تعلیمی است.

### علل تغییر سن و ارائه دادخواست توسط اشخاص:

۱- ادامه تحصیل: ثبت نام در مقاطع مختلف تحصیلی با توجه به قوانین آموزش و پرورش مستلزم شرایط سنی خاصی است و اگر سن فردی از سن تعیین شده از قانون مقرر بیشتر یا کمتر باشد مراجع آموزشی از ثبت نام آن خودداری می کنند. و این اشخاص جهت صعود از این مانع اقدام به طرح دعاوی ابطال و صدور می نمایند. عبارت دیگر وقتی سن کودک در نیمه دوم سال مورد نظر ثبت نام می باشد جهت ثبت نام در دوره اول ابتدایی متولدین تا اول مهر ماه را ثبت نام می کنند و یا اینکه افراد به دلیل عدم موفقیت در تحصیل و مردود شدن بیش از حد مجاز مواجه با عدم ثبت نام در مدرسه می شوند و راه حل را اصلاح سن می دانند.

در صلاحیت کمیسیون پنج نفره اداره ثبت احوال است. پس محاکم هیچگونه حق و مجوزی ندارند و باید به استناد این ماده قانونی از رسیدگی امتناع نمایند. (همان منبع)

### مستند قانونی صلاحیت دادگاهها برای رسیدگی:

در نظام قضایی کشورمان برای بسیاری از اصول اساسی و مهم قوانین موضوعه پیش بینی شده است واز این لحاظ می توان ادعا نمود که تمامی اصول موجود در اعلامیه های جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی در قوانین کشور وجود دارد.

اما با وجود این امر در بعضی موارد شاید اجمال قوانین سبب می شود دادرسی عادلانه مورد تردید واقع شود. این موارد هرچند اندک هستند ولی بایستی مورد توجه و اصلاح مسئولین امر واقع گردد از جمله آنها که به تحقیق حاضر ارتباط دارد بحث تغییر سن و یا همان اصطلاح ابطال و صدور شناسنامه می باشد. که ماده واحده ناظر بر این امر می باشد. در اینجا می بینیم به دلیل محدودیتهای قانونی برخی اشخاص آگاه و آشنا به مسائل حقوقی سعی دارند با استفاده از طرح موضوع در قالب ابطال و صدور از سویی و عدم آگاهی برخی قضات از سوی دیگر؛ موفق به انجام خواسته خود می شوند. و استناد دادگاه هم متفاوت بوده و بیشتر مربوط به ماده ۴ قانون ثبت احوال کشور و ماده ۹۹۵ قانون مدنی و شهادت گواهان محدود می شود که در زیر بررسی می شوند:

۱- مستند قانونی دادگاهها برای صدور احکام یا ماده ۴ قانون ثبت احوال است که بیان می کند ((رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسنادثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان بعمل می آید وراوی دادگاه فقط پژوهش پذیر است.

۲- ماده ۹۹۵ قانونی مدنی است. که بیان نموده ((تغییر مطالبی که در دفتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر به موجب حکم محکمه)) آنچه متصور است منظور فقط تغییر مطالب بوده و بس؛ و

مراحل اولیه مجبور می شوند درخواست تجدید نظر نمایند مگر اندک افرادی که مشکل شان در طول انجام مراحل دادرسی رفع شده باشد مانند ازدواج اشخاصی که بخاطر ازدواج اقدام نموده اند یا استخدام رفع موانع تحصیلی.

پس اگر دادخواست های تجدید نظر را به دادخواست های بدوی اضافه کنیم رقم دادخواستها دو برابر رقم فوق الذکر خواهد بود. دادخواست به ادارات ثبت احوال واصل می شود.

#### اسناد و مدارکی که ابطال و صدور ، باعث تزلزل آنها می شود:

علاوه بر تزلزل اسناد سجلی و شناسنامه فردی که ابطال صدور می کند به تبع آن اسناد و مدارک مکاتبه نیز بایستی اصلاح شوند که نهایتاً یک پرونده ابطال و صدور باعث مخدوش شدن و تزلزل سایر اسناد رسمی می شود. که عیارتند از:

- مدارک تحصیلی و دانشگاهی
- کارت شناسائی ملی
- کارت پایان خدمت سربازی
- گواهینامه رانندگی
- اسناد ازدواج و طلاق افراد متأهل
- گذرنامه
- اسناد سجلی و شناسنامه همسر و فرزندان
- اسناد مالکیت: زمین- ساختمان- خودرو و...
- مدارک استخدامی
- دفترچه بیمه و سوابق بیمه ای
- مدارک بانکی وثبتی

به منظور بررسی علل و عوامل ابطال و صدور شناسنامه پژوهشی جامع در سطح استان آذربایجان شرقی تحت عنوان هویت مضاعف در قرن بیست و یک صورت گرفته که نتایج قابل ملاحظه ای بدست آمد که شرح مختصر چنین است. در طول سال ۱۳۸۶ تعداد ۱۶۶۲ پرونده ابطال و صدور شناسنامه از سوی محاکم دادگستری استان آذربایجان شرقی به ادارات ثبت احوال ابلاغ شده است. و از این تعداد ۱۱۶۳

۲- استخدام: استخدام در وزارتخانه ها و نهادها و مراکز آموزشی و موسسات دولتی و غیردولتی نیز مستلزم شرط سنی می باشد. که قانونگذار جهت استخدام نیروی انسانی اعلام نموده است. در این راستا افرادی که فاقد شرط سنی مورد نظر هستند. جهت تحقق خواسته خود اقدام به طرح دعاوی ابطال و صدور شناسنامه می نمایند.

۳- ازدواج: یکی از عوامل عمده ارائه دادخواست تغییر سن به ویژه از سوی خانم ها مسئله ازدواج می باشد. در هر جامعه آداب و رسوم خاصی جهت ازدواج و همسرگزینی وجود دارد اغلب مردم بر این باورند که سن دختران در امر ازدواج بایستی از سن پسران کمتر باشد ؛ و این امر شاید به دلیل سن باروری در خانم ها باشد. غافل از اینکه تغییر سن چیزی از واقعیت را عوض نمی کند. و چه بسا در آینده همین عامل باعث اختلاف خانوادگی و حتی منجر به طلاق شود.

۴- تأخیر در اعزام به خدمت سربازی و یا اخذ معافیت و کفالت: با توجه به قانون نظام وظیفه و اینکه افراد پس از اخذ دیپلم و عدم ادامه تحصیلات عالی به بایستی به خدمت سربازی اعزام شوند. مصداق بارز این مورد افرادی هستند که در کنکور سراسر قبول نشده اند. و می خواهند در سال بعد در کنکور مجدداً شرکت نمایند. بنابراین اقدام به طرح دعوی می کنند. حتی برخی افراد آینده نگری کرده و در دوران دبیرستان اقدام به این کار می نمایند.

۵- شرکت در مسابقات ورزشی و فرهنگی: با عنایت باینکه برخی موسسات فرهنگی و ورزشی جهت شرکت افراد در مسابقات گروه بندی هایی با توجه به سن آنها نموده و سنین خاصی را جهت شرکت در مسابقات در رده های سنی نوجوانان و جوانان و بزرگسالان اعلام می نمایند. لذا افراد جهت کسب امتیاز در رده سنی مورد نظر خود اقدام به تغییر سن می نمایند.

چون وظیفه و سیاست سازمان ثبت احوال کشور نیز حفظ و صیانت از اسناد هویتی مردم کشور است بنابراین به منظور حفظ اعتبار اسناد و جلوگیری از تزلزل آنها مجبور است در صورت صدور حکم بر علیه ادارات اقدام به دفاع و درخواست تجدیدنظر نمایند و از طرفی اشخاص نیز در صورت صدور رأی بر علیه شان بخاطر صرف وقت و هزینه در

یافته های پژوهش بدین شرح می باشند:

یافته شماره (۱): اکثریت متقاضیان با (۳۴) مورد یعنی (۵۶/۷٪) دختر هستند. که خود رقم قابل ملاحظه ای است.

یافته شماره (۲): تمام متقاضیان مجرد بودند.

یافته شماره (۳): علت اصلی و نیاز در بین دختران ازدواج بوده و در بین پسران استخدام می باشد. که پاسخ گویایی است بر سؤال اول پژوهش.

یافته شماره (۴): بیشتر متقاضیان یعنی (۸۶/۷٪) از روند فعلی راضی نیستند.

یافته شماره (۵): اکثریت متقاضیان دعاوی یعنی (۴۳/۳٪) تمایل خیلی کم به طرح دعاوی در دادگاه ها دارند.

یافته شماره (۶): اکثریت متقاضیان دعاوی یعنی (۷۸/۳٪) برعکس یافته شماره (۵) تمایل زیاد و خیلی زیاد به طرح دعاوی در کمیسیون تشخیص سن مستقر در ثبت احوال دارند.

یافته شماره (۷): ۳۰ نفر یعنی (۵۰٪) اشخاص در طرح دعاوی از وکیل استفاده نموده اند.

یافته شماره (۸): راهنمای متقاضیان دعاوی تغییرسن (۲۰) نفر بستگان و (۲۶) نفر دوستان بعبارتی (۳۳٪) بستگان و (۴۳٪) دوستان می باشد.

یافته شماره (۹): اکثریت قریب به اتفاق قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا به تعداد (۳۷) مورد یعنی معتقدند که دعاوی تغییر سن غیر واقعی هستند و تنها یک مورد یعنی معتقد به واقعی بودن دعاوی هستند. که این رابطه معنی دار بوده و ارقام قابل ملاحظه میباشند.

یافته شماره (۱۰): اکثریت قریب به اتفاق قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا معتقدند که عامل اصلی طرح دعاوی ازدواج با (۴۳) مورد (۳۹/۳۵٪) و استخدام با (۴۴) مورد (۴۴/۳۷٪) می باشد.

مورد بر له ادارات ثبت احوال و ۴۹۹ مورد بر له اشخاص صادر شده است. که ۴۲۷ مورد به دلیل قطعیت تا پایان سال اجراء شده اند و بقیه نیز در سالهای آینده پس از قطعیت اجراء خواهند شد.

کارمورد نیاز: هزینه و نیروی انسانی: یک پروند ابطال و صدور شناسنامه علاوه براینکه برای اشخاص هزینه بر بوده برای دولت نیز پرهزینه است. و علاوه بر هزینه مالی، نیروی انسانی زیادی را تحمیل می کند. و صرف نظر از وقت و هزینه های پرت آنچه یک پرونده بطور متوسط هزینه و نیروی کار مفیدی نیاز دارد، شرح جدول زیر می باشد. در جدول هزینه و نیروی کار انجام شده در خصوص اصلاح سایر مدارک از جمله شناسنامه و اسناد سجلی فرزندان و مدارک تحصیلی و سند ازدواج و کارت ملی و گواهینامه رانندگی و گذرنامه و مدارک بیمه و بانکی و ... منظور نشده است. که در صورت احتساب بیشتر خواهد شد.

برابر آمار و تحقیقات انجام شده در سال ۱۳۸۶ برای ادارات ثبت احوال استان تعداد ۱۱۶۲ پرونده واصل شده. و اگر آن را تجزیه و تحلیل کنیم خواهیم داشت:

کل پرونده ها استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۶:

$$\text{هزینه به ریال: } ۱۶۶۲ \times ۹۸۵۰۰۰ = ۱۶۳۷۰۷۰۰۰۰$$

$$\text{وقت به: } ۱۶۶۲ \times ۴۲۰ = ۶۹۸۰۴۰ \text{ دقیقه}$$

$$\text{ساعت } ۶۹۸۰۴۰ \div ۶۰ = ۱۱۶۳۴$$

حال اگر این ارقام را به سطح کشور تعمیم دهیم خواهیم داشت:

کل پرونده های کشور در سال ۱۳۸۶:

$$\text{هزینه به ریال: } ۱۷۷۹۲ \times ۹۸۵۰۰۰ = ۱۷۵۲۵۱۲۰۰۰۰$$

$$\text{وقت به: دقیقه } ۱۷۷۹۲ \times ۴۲۰ = ۷۴۷۲۶۴۰$$

$$\text{ساعت } ۷۴۷۲۶۴۰ \div ۶۰ = ۱۲۴۵۴۴$$



### چالشهای موجود:

۱- در شرایط فعلی اعمال قانون با عدالت اجراء نمی شود. کسانی که شناس و آشنا و ارتباط داشته باشند می توانند از مزایای ابطال و صدور با شرایط فعلی برای رفع مشکل خود استفاده نمایند.

۲- افزایش جمعیت جوان کشور و به تبع آن آمار متقاضیان اصلاح سن در قالب دعاوی ابطال و صدور.

۳- تأثیر گذاری بر شاخص های آمارهای وقایع حیاتی چهارگانه به ویژه آمارهای ولات و فوت سنوات قبل کشور.

۴- تأثیر بر شاخص های آمار فوت و علل فوت، به علت ثبت واقعه فوت واهی.

۵- مخدوش نمودن اسناد دولتی از قبیل شناسنامه؛ گذرنامه؛ کارت شناسائی ملی؛ مدارک تحصیلی و دانشگاهی؛ سند ازدواج؛ اسناد بیمه و مالکیت و سایر مدارک مکاتبه.

به عبارت دیگر عمده ترین چالشهای پیش روی سازمان ثبت احوال و دادگستری ها افزایش جمعیت کشور است که با افزایش جمعیت و گسترش شهر نشینی نیازها و انتظارات جدید در جامعه خلق و بوجود می آید. بطوریکه برخی افراد جهت کسب درآمد و تحصیل شغل و ازدواج سعی می نمایند به طرقی از دیگر افراد پیشی بگیرند. و این امر در حالت فعلی و حتی آینده تشدید خواهد شد. زیرا رسیدن به این نیازها با توجه به محدودیت آنها خود به خود فکر و ذهن برخی افراد را به سمت یافتن چاره و راهکار می کشاند. و در جاهایی که محدودیت سن لحاظ شده افراد به محض مواجه با مانع اقدام به طرح دعاوی ابطال و صدور از طریق محاکم دادگستری می نمایند.

### پیشنهاد و راهکار:

۱- پیشنهاد می شود موضوع ابطال و صدور شناسنامه ممنوع شود: این امر باعث حفظ و صیانت از اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل اسناد رسمی و آمارهای وقایع حیاتی و صرفه جوئی در هزینه ها و نیروی انسانی دولت و وقت اشخاص می شود. و قانونگذار نیز مجبور به فکر رفع مشکل به طرق علمی و منطقی در خصوص رفع چالشهای

یافته شماره (۱۱): اکثریت قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا به تعداد (۲۸) و (۱۸) نفر یعنی (۷۶/۷٪) تمایل خیلی کم و کم با طرح دعاوی در دادگاهها دارند.

یافته شماره (۱۲): برخلاف یافته شماره (۱۱) اکثریت قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا به تعداد (۱۷) و (۲۰) نفر یعنی (۶۱/۷٪) تمایل زیاد و خیلی زیاد با طرح دعاوی در کمیسیون تشخیص سن دارند.

یافته شماره (۱۳): با توجه به نتایج بدست آمده (۱۷) نفر یعنی (۲۸/۳٪) از قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا معتقدند برای تغییر سن ماده قانونی وجود دارد و (۲۸) نفر یعنی (۴۶/۷٪) معتقدند برای تغییر سن ماده قانونی وجود ندارد.

یافته شماره (۱۴): درست مطابق یافته شماره (۱۳) در مورد رویه قضایی نیز (۱۶) نفر یعنی (۲۶/۷٪) معتقدند برای تغییر سن وحدت رویه قضایی وجود دارد و (۳۲) نفر یعنی (۵۳/۳٪) معتقدند برای تغییر سن وحدت رویه قضایی وجود ندارد.

یافته شماره (۱۵): تعداد (۲۲) نفر یعنی (۳۶/۷٪) از قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا بهترین راحل رامنوع کردن تغییر تاریخ تولد می دانند.

یافته شماره (۱۶): تعداد (۱۰) نفر یعنی (۱۶/۷٪) از قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا معتقد به تغییر سن توسط دادگاه هستند.

یافته شماره (۱۷): تعداد (۲۱) نفر یعنی (۳۵٪) از قضات و کارشناسان ثبت احوال و وکلا معتقد به تغییر سن توسط کمیسیون سن مستقر در ثبت احوال هستند.

#### منابع و مأخذ:

- ۱ - ثبت- نشریه آموزشی داخلی سازمان ثبت احوال کشور- شماره ۸۶؛ سال، ۱۳۷۸
- ۲- حجتی اشرفی؛ غلامرضا؛ مجموعه قوانین اساسی- مدنی؛ تهران؛ کتابخانه گنج دانش؛ ۱۳۷۲.
- ۳- منصور؛ جهانگیر؛ قوانین و مقررات آئین دادرسی مدنی؛ نشر دوران؛ ۱۳۸۰
- ۴- قانون ثبت احوال کشور- مصوب تیرماه ۱۳۵۵؛ متضمن اصلاحیه مورخه ۶۳/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی.
- ۵- بخشنامه ها و دستورالعمل های سجلی و حقوقی سازمان ثبت احوال کشور.

موجود در جامعه مانند محدودیت سن تحصیل و ازدواج و استخدام بر می آید.

۲- ماده واحده مورد تجدید نظر قرار گیرد و در آن موارد زیر منظور شود:

اعضاء کمیسیون تشخیص سن مرکب از قاضی دادگاه و پزشک معتمد و رئیس اداره ثبت احوال باشد. زیرا عملاً فرماندار و یا شهردار (رئیس شورای اسلامی شهرستان) نقشی ندارند. یا اینکه با همان ترکیب فعلی علاوه بر رسیدگی به پرونده های اصلاح تاریخ تولد موضوع ماده واحده پرونده های ابطال و صدور شناسنامه نیز به کمیسیون واگذار شود. که در آن صورت اعضاء کمیسیون میتوانند بطور تخصصی تر در مورد وقایع فوت و ولادت براساس مدارک مستند نه شهادت چند نفر تصمیم صحیح و درست را بگیرند.

## بررسی عوامل فرهنگی - هویتی در گرایش به تغییر نام افراد در استان خوزستان

معرفی آثار پژوهشی:

نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۹ نفر تعیین شد و تجزیه داده ها با

استفاده از SPSS است.

طرح پژوهشی با عنوان:

بررسی عوامل فرهنگی - هویتی در گرایش به تغییر نام افراد در استان خوزستان ۱

جاسم سواعده<sup>۲</sup>، دکتر کرم اله جوانمرد<sup>۳</sup>

چکیده:

نام بارزترین نماد اجتماعی محسوب می شود. در طول تاریخ مشخص کننده شخصیت اجتماعی، جایگاه و طبقات و وجه اشتراک و یا افتراق در یک جامعه می باشد. (پوریانی، ۱۳۸۴: ۶). نامگذار دارای تعلقات، باورها، اعتقادات می باشد و نامگذاری بخشی از هویت افراد است. نام همان گونه که نشان دهنده هویت فردی است باید نشان دهنده هویت قومی، ملی، مذهبی و اعتقادات و باورهای افراد نیز باشد.

در این رابطه تحقیقی با هدف کلی بررسی تأثیر عوامل فرهنگی - هویتی در گرایش به تغییر نام در استان با حمایت اداره کل ثبت احوال استان خوزستان صورت گرفته است.

این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. جمعیت آماری تحقیق تمامی متقاضیان تعویض نام در استان خوزستان از سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ که تعداد آن ها ۹۰۳۵ نفر می باشد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی خوشه ای است برای تعیین حجم

یافته های تحقیق نشان داد که هر چه میزان هویت و عوامل فرهنگی قوی تر باشند به همان میزان در گرایش به تغییر نام تأثیرگذار خواهند بود.

در تحقیق نهایی با سطح اطمینان ۹۹٪ شاخص وسایل ارتباط جمعی، هویت فردی، اعتقادات و باورها و هویت قومی بیشترین همبستگی را در گرایش به تغییر نام نشان داده است و متغییر هویت مذهبی هر چند با متغییر وابسته تحقیق دارای همبستگی بود ولی در نهایت به عنوان متغییر پیش بین از مدل خارج شد. از میان عوامل فردی بین متغیرهای جنس و تحصیلات با متغییر وابسته تحقیق تفاوت معناداری مشاهده نشد.

### کلید واژه ها:

گرایش به تغییر نام - هویت قومی، هویت مذهبی، هویت فردی، اعتقادات و باورها- وسایل ارتباط جمعی.

۱ - این طرح پژوهشی با حمایت اداره کل ثبت احوال استان خوزستان انجام شده است.

۲ - کارشناسی ارشد جامعه شناسی و رئیس اداره ثبت احوال شادگان

۳ - استادیار دانشگاه بروجرد



## احکام و آثار شناسنامه در حقوق موضوعه ایران

معرفی آثار پژوهشی:

شناسنامه واجد احکامی است از جمله، دارنده آن ایرانی قلمداد شده و از حقوق و مزایای تبعه کشور بهره مند خواهد شد. تکالیفی نیز برعهده وی قرار خواهد گرفت. آثاری نیز برای دارنده آن دارد مانند اینکه نسب و سن فرد را مشخص می نماید، و بر اساس آن اهلیت وی ثابت می شود. تحت شرایطی ابطال و یا باطل خواهد شد. در اختیار داشتن قوانین و دستورالعملها در خصوص شرایط صدور و ابطال شناسنامه به متقاضیان این امکان را میدهد تا خواسته های خود را با کوتاهترین زمان ممکن مطرح، و از طرح خواسته های غیر قانونی خودداری نمایند.

در این تحقیق با بررسی و تامل در حقوق موضوعه و دستورالعملها و بخشنامه های مربوط به شناسنامه و استفاده از کتب و مقاله های مرتبط مباحث را جمع بندی نموده و سامان بخشیده ایم. در نتیجه، آخرین قوانین و آئین نامه و بخشنامه های موجود جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته تا خواننده با مطالعه آن، به سهولت اطلاعات کاملی از روند صدور، تکمیل و تغییر در مندرجات شناسنامه بدست آورد و در مواقع لازم مورد استفاده قرار دهد.

**کلمات کلیدی:** حقوق موضوعه ایران - شناسنامه - سند سجلی - شرایط شناسنامه - احکام شناسنامه - آثار شناسنامه

## بایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی حقوق خصوصی

با عنوان:

### احکام و آثار شناسنامه در حقوق موضوعه ایران

محمد باقریان<sup>۱</sup>

#### چکیده:

هنگامی که نوزادی متولد شود و پس از تولد زنده بماند والدین او برابر قانون موظف هستند حداکثر ۱۵ روز از زمان تولد به اداره ثبت احوال مراجعه و ولادت او را اعلام نمایند، و مامورین ثبت احوال موظفند در صورت وجود شرایط قانونی، این ولادت را ثبت کنند؛ و اگر نوزاد ایرانی باشد برای او شناسنامه، و اگر ایرانی نباشد گواهی ولادت اتباع خارجه صادر و تحویل نمایند. تاخیر در اعلام ولادت آثار منفی برای فرد در ارتباط با استفاده از مزایای تبعه کشور و برای برنامه ریزان در اداره امور کشور دارد.

نام خانوادگی نوزاد همان نام خانوادگی پدر خواهد بود. در صورتی که در صدور شناسنامه اشتباه و یا اختلافی رخ دهد و پس از امضاء آن هر یک از مامور ثبت و یا صاحب شناسنامه متوجه اشتباه یا اختلاف شود هیات حل اختلاف مستقر در هر اداره با درخواست صاحب سند، از طریق صدور رای مقتضی اشکال را رفع خواهد نمود. تغییر در هریک از مندرجات شناسنامه، از طریق رای دادگاه امکان پذیر خواهد بود. جعل در شناسنامه چه جعل مادی باشد (تغییر مندرجات از طریق تراشیدن، محو نمودن، تغییر در مندرجات و...) و چه جعل معنوی (اعلام خلاف واقع تاریخ ولادت و یا محل ولادت و...)، دارای مجازات می باشد.

<sup>۱</sup> - اداره کل ثبت احوال استان قم